

اندیشه های تنهایی

پروفسور سید حسن امینی



رایگان در اختیار انقلابیون گذاشته بودند. سرانجام، آیت الله خمینی پس از ۱۱۷ روز اقامت در نوفل لوشاتو، با هواپیمای چارتر ایرفرانس که فقط پنجاه نفر آن ایرانی و یکصد و پنجاه نفر دیگرش «خبرنگاران خارجی» بودند، از پاریس به تهران آمد. این در حالیست که غرب، همه دروازه های خود را به روی شاه ایران می بندد. پس مقتضیات خارجی را نباید دست کم گرفت.

ب. علل و عوامل داخلی: محمدرضا شاه پهلوی، شخصیتی و تجربه هایی (و نیز مقارن وقوع انقلاب، بیماری لاعلاجی) داشت که آن مسائل هم در شتاب یافتن انقلاب بی تأثیر نبودند. همچنان که آیت الله خمینی هم دارای شخصیت و

ایران، شاه را حافظ منافع آمریکا و «ژاندارم منطقه» می خواندند. دو قطبی بودن جهان، به این معنی بود که اگر ملت ایران از آمریکا بپرد، در دامان شوروی خواهد افتاد. چنین بود که غرب هم منافع خود را در حذف شاه تشخیص داد. من به چشم خود در نوفل لوشاتو دیدم که رسانه های غربی با حضور شبانه روزی خود در مقر آیت الله خمینی بهترین تبلیغ ممکن را برای ترویج انقلاب و تشجیع انقلابیون می کردند. هر جریان، حرکت یا انقلابی به دو چیز وابسته است: تشکیلات و تبلیغات. در انقلاب ایران در ۱۳۵۷، تبلیغات بر تشکیلات غلبه داشت و مهمتر آنکه تبلیغات خرج دارد و این تبلیغات را رسانه های غربی مفت و مجانی و به

علل و عوامل انقلاب

علم تاریخ یعنی کشف رخدادهای گذشته با تکیه بر تحلیل علل و عوامل پیدایی آنها. کشف علل و عوامل انقلاب ۱۳۵۷ آسان نیست. برای هر تحول بنیادین در هر جامعه ای، از جمله انقلاب ۱۳۵۷، «مقتضی» که عبارت باشد از اوضاع و احوال داخلی و خارجی، موجود بود و «مانع» که عبارت باشد از تصمیم قاطع رژیم برای حفظ وضع موجود، مفقود بود. پس آنچه شد، باید اتفاق می افتاد.

الف. مقتضیات بین المللی وقوع انقلاب ۱۳۵۷ را نمی توان نادیده گرفت. چریک های ایرانی، مستشاران نظامی آمریکا را در ایران می کشتند. مردم

محوریم و بر منافع شخصی تکیه می کنیم نه منافع ملی. قهرمان پروریم و کمتر به حزب و حرکت جمعی اعتماد می کنیم. عموماً به جای حرکت های اجتماعی، یا کار تیمی، با استبداد رأی، دیگران را از همراهی و همکاری منصرف می کنیم.

۳- ضعف مدیریتی داریم. هم در گزینش مدیر و هم در اجرای مدیریت
 ۴- خُلقیات ما ایرانیان در عقب ماندگی مان بی تأثیر نیست: ضعف اخلاقی، رذایل، ذهنیت منفی، تعصب، خودخواهی، استبداد، حکومت سرکوبگر، نداشتن فرهنگ سیاسی، نداشتن فرهنگ نقد، دروغگویی، جزمی نگری، فقر فرهنگی، سنت گرایی و کهنگی راه و رسم، عدم صداقت (دل و زبان یکی نیست)، دورویی، نخبه گشی، نبود شهامت مدنی و شجاعت اخلاقی، حسادت، دزدی، نبودن نظارت و ... البته خیلی چیزهای خوب هم داریم که غرور ملی سرلوحه آنهاست اما باید بهتر از اینها باشیم.

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند قومی که گشت فاقد اخلاق مرد نیست

راه علاج چیست؟

راه علاج ایران برای برونرفت از مشکلات

رنجانده بود، به احساسات دینداران و سنت گرایان هیچ اعتنا نداشت، ملیون و بقیه السیف نهضت ملی را مرده می انگاشت، در حالی که رکود اقتصادی ناشی از سیاست های دولت بود، بازاریان را مسؤول می دانست و آبروی آنان را به جرم گرانفروشی می برد. نظامیان را بنده و برده خود می دانست.

خلاصه، مشروعیتش را از دست داده بود و در بین ملت دوستی برای خود باقی نگذاشته بود. پس آنچه شد، باید می شد.

عوامل عقب ماندگی ما

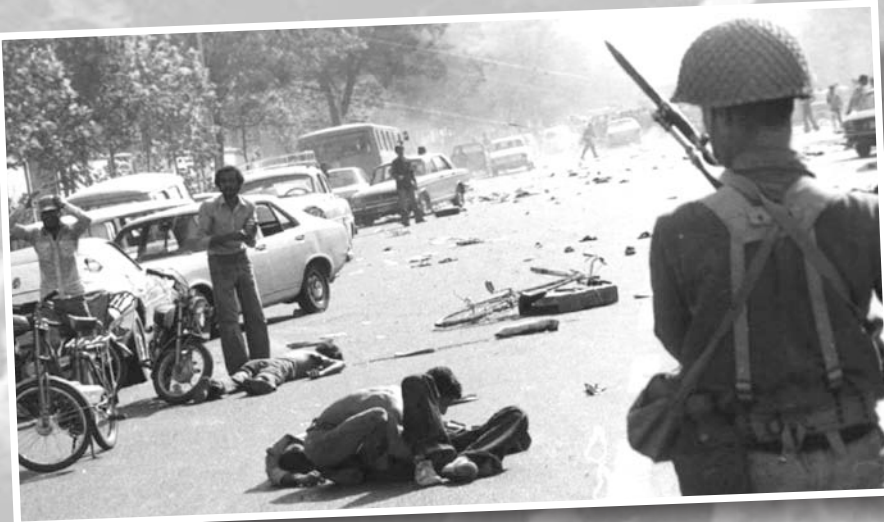
- ۱- مهمترین عامل عقب ماندگی ایران، نبودن برنامه ریزی مدون، سیستم مقبول و به اجماع رسیده برای پیشرفت است. به تاریخ که نگاه می کنیم، مثل اینکه ما از جنبش مشروطیت تا امروز پیوسته در حال آزمون و خطا بوده ایم.
- به اتکای ذهن پویا می خواهیم میان بُر بزنیم؛ زود جلو بیفتیم، از برنامه ریزی می گریزیم. با برنامه درازمدت و برای اهداف بلندمدت حرکت نمی کنیم. با احساسات کار می کنیم و اگر پیروز نشدیم، دیگر ادامه نمی دهیم.
- ۲- ما عموماً مردمی فردگرا و تک

وضع و وزنی بود که در انقلاب مؤثر بود. اگر برای مثال، آیت الله خمینی در زمان رضاشاه (و نه محمدرضاشاه) مرجع تقلید بود، محال بود که بتواند رهبر انقلاب شود.

رضاشاه، سید حسن مدرس را که زعیم مجلس بود، تبعید کرد و کشت و ملت شریف همیشه در صحنه ما ککش نگزید! بی گمان اگر روحانی دیگری از قماش مدرس و به شجاعت او یا آیت الله خمینی هم در دوره رضاشاه زندگی می کرد، سرنوشتی مشابه مدرس می یافت. محمدرضاشاه، استبداد و اقتدار پدرش را نداشت اما هیچ گاه به مردم ایران هم متکی نبود.

محمدرضاشاه به تمام معنی باور داشت که اگر انگلیس و آمریکا، آن یک در شهریور ۱۳۲۰ و این یک در مرداد ۱۳۳۲ او را آورده اند، حالا در دی ۱۳۵۷ می خواهند او را بر دارند؛ این بود که در ۲۶ دی ۱۳۵۷ با پیام هایی که از سفیران انگلیس و آمریکا و ژنرال هایزر آمریکایی می شنید، ایران را ترک کرد و صحنه را به رقیب وا گذاشت. شاه، به رغم آنکه در گذشته، همه چیز را شخصاً کنترل می کرد، در آن مقطع، به طور کامل از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد و به نخست وزیر و امیران ارتش گفت که دیگر هیچ گزارشی از وضع مملکت برای او نفرستند.

اما چرا، شاه، چنین بی پناه شده بود؟ دلیلش آن بود که رژیم سابق به معنی واقعی کلمه «استقلال» نداشت. «ملی» (وابسته به ملت ایران) نبود. بنابراین اگر هم در مسأله اوپک و قیمت نفت، گاهی خلاف منافع غرب حرکت می کرد، به خارجی ها بیش از مردم ایران وابسته بود. شاه همه را از خود



بی وفایی دنیا

از شنیدن خبر درگذشت علی رضایی که غریبانه دور از ایران عزیز (در کُستاریکا) از دنیا رفت، دلم سوخت. دنیا چه بی وفاست!

علی رضایی، یکی از موفقترین چهره های صنعت و بازرگانی ایران بود. یک چشمه از خدمات او تأسیس کارخانه های نورد اهواز، بانک شهریار و از آنها مهمتر، بنیاد نهادن «خانه سبزوار» (انجمن سبزواری های مقیم تهران) بود. روحش شاد.

عجبا که چند سال پیش برادر علی رضایی یعنی محمود رضایی در آمریکا خودکشی کرد. دنیا بی وفاست اما جامعه ما هم نارواست.

استبداد من!

کسی از من انتقاد کرده بود. شاید انتقادش، اشتباه بود، لاقلاً از نظر من! قلباً دلگیر شدم.

اما زود به خود آمدم که لابد مستبدین هم که انتقاد ما را دوست ندارند، همینطوری حس می کنند که دوست دارند اشخاص تعریفشان کنند اما انتقادشان نکنند.

فرق نقد و افترا

آنچه من می نویسم، نقد است. نقد، شأن اهل فکر و اندیشه است. سوءنیتی در کار نیست. بین انتقاد و ارتکاب جرم تفاوت است.

امروز و فردا، برنامه ریزی درازمدت - چهل ساله - برای رشد متوازن است. اگر می خواهیم نسل های آینده دچار مشکلات ما و نسل های پیش از ما در مسیر آزمون و خطای یکصد ساله اخیر نباشد، باید برنامه آینده مان از همین امروز مشخص باشد. از همه مهمتر، فکر اجتماعی، التزام و تعهد و مسئولیت اجتماعی باید از کودکان و دبستان، بلکه از خانه، در جامعه ما نهادینه شود.

تربیت و تعلیم، پرورش و آموزش، لازم است. تکیه خانواده ها، برای تعلیم و قبولی بچه ها در مدرسه و دانشگاه و اخذ مدارک بالابست ولی تربیت و پرورش، بالا نیست. کسی «اجتماعی اندیشیدن» را به ما یاد نمی دهد.



دفتر ترجمه و خدمات ایرانیان

Office of Translation & Iranian Services

Member: H.c.c. Language Dept.

به سرپرستی: مسعود مؤیدی



☑ ویزای نامزدی K-1
☑ ویزای ازدواج K-3

☑ کارت سبز از طریق پدر، مادر، فرزندان و یا ازدواج
☑ خدمات Medicare و Medicaid برای سالمندان
☑ تنظیم وصیتنامه

☑ گرفتن Citizenship برای افراد واجد شرایط بدون امتحان

☑ اخذ کارت ملی
☑ ترجمه رسمی کلیه مدارک
☑ تعویض شناسنامه
☑ تجدید - تمدید و تفکیک پاسپورت ایرانی
☑ عکس پاسپورتی
☑ تنظیم وکالت نامه و گواهی امضاء
☑ ثبت ازدواج و طلاق به طریق اسلامی
☑ تمدید ویزای توریستی
☑ پاسپورت سفید Re-entry Permit

6420 RICHMOND AVE. SUITE 430
HOUSTON, TX. 77057

TEL.: (713) 781-0900
FAX (713) 781-0943